



گروه فرهنگ و هنر

اعلام برگزیدگان بخش اصلی هفتادوچهارمین جشنواره فیلم برلین آب پاکی را روی دست هجمه رسانه‌ای و سینمایی هدفمند داخل و خارج از کشور ریخت، چرا که برخلاف انتظار آنها فیلم «کیک محبوب من» که با دور زدن وزارت ارشاد و بدون رعایت قوانین ایران در داخل کشور ساخته و به جشنواره برلین ارسال شد، بدون دریافت حتی یک جایزه از بخش اصلی این رویداد راترک کرد و خرس طلایی بهترین فیلم به «داهومی» ساخته متی دیوپ محصول مشترک فرانسه، سنگال و بنین اهدا شد. این درحالی است که صد رزشینی کیک محبوب من در جدول منتقدان و هم امیدواری جماعت اپوزسیون اهل سینما و رسانه را بسیار افزایش داده و حتی آنها را به یقینی برای دریافت جایزه اصلی برلین رسانده بود اما شب اختتامیه طور دیگری رقم خورد و نظر داوران با برخی از منتقدان متفاوت بود. در نهایت تنها جوایزی که کیک محبوب من به کارگردانی بهتاش صناعی ها و مریم مقدم و تهیه‌کنندگی سید غلامرضا موسوی توانستند به دست آورند، از بخش های فرعی بود، جایزه کلیسای جهانی و جوایز هیأت داوران فیپرسی (فدراسیون بین المللی منتقدان فیلم) که به طور مشترک با سه فیلم دیگر آن را دریافت کرد. این دهن کچی جشنواره برلین به فیلمی چون کیک محبوب من، نشان داد که با همه سیاسی باری های رویداد های سینمایی چون برلین، ونیز، کن و... بر اساس اولویت های سیاسی خودشان برنامه ریزی می شوند نه توهم اولویت گروه «قشری شبه روشنفکری» در ایران!

سرخوردگی رسانه‌های معاند

رسانه‌های معاند و مخالف جمهوری اسلامی که در این چند وقت اخیر و به محض حضور «کیک محبوب من» در بخش مسابقه هفتادوچهارمین جشنواره برلین، به انواع و اقسام بازی ها و ترفند های رسانه‌ای برای ابراز نفرت و انزجار از ایران و هدایت مسیر داوری به سمت اهدای جایزه به این فیلم غیرقانونی پرداختند اما اعلام نتایج در شب اختتامیه باعث سرخوردگی جمعی این جماعت شد، به‌عنوان نمونه می‌توان به واکنش و خبررسانی بی‌بی‌سی فارسی اشاره کرد که با عنوان «خرسی که کیک محبوب را دوست نداشت» ناراضیاتی و سرخوردگی خود را بروز داد. در مقدمه خبر از آن هجمه رسانه‌ای و تبلیغاتی و تاکامی غیرمنتظره بعدی این‌گونه یاد شده است؛ «هفتادوچهارمین دوره جشنواره جهانی فیلم برلین، شنبه شب (بیست‌وچهارم فوریه، پنجم اسفند) به کار خود پایان داد. فیلم کیک محبوب من ساخته بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم، سیمی از جوایز اصلی جشنواره نداشت.» حتی در ادامه خبر همین شکست هم کنایه به قوانین جمهوری اسلامی برجسته است و پنهان‌های

مکت

قابل توجه فیلمسازان مجیزگوی غرب

گاهی برای درک و دریافت درست نیت جشنواره‌های معتبر جهانی همچون برلین، کن، ونیز و ... نیاز به نگاهی تخصصی از بیرون و در همان جوامع است تا مباحثی چون تعصب احتمالی داخلی و نگاه‌های سیاسی داخل و خارج از کشور و منافع ناشی از آن خلل و خدش‌های بر واقعیت ماجرا وارد و اصل موضوع را از دایره انصاف خارج نکند. چند روز پیش مدیر جشنواره فیلم برلین، ماریت ریسنیک در گفت‌وگویی با خبرنگار یکی از نشریات سینمایی داخل کشور از اهمیت سینمای ایران برای برلیناله حرف زد. منتها سخنان این مدیر سینمایی خواسته یا ناخواسته نشان از تفرعن و نیت پشت پرده جشنواره‌هایی چون برلین داشت که دنبال چه بهره‌برداری‌هایی از سینمای ایران هستند. این محبت‌ها

خبر

پنجمین هفته فیلم و عکس انجمن سینمای جوان دفتر ویژه تهران از امروز، هفتم اسفند لغایت دهم اسفندماه در موزه هنرهای معاصر تهران با حضور ۵۸ فیلمساز و ۴۱ عکاس برگزار می‌شود.

در این رویداد که در دو بخش فیلم کوتاه و عکس برگزار می‌شود، آثار ۵۸ نفر از فارغ‌التحصیلان این دفتر و همچنین فیلمسازانی که تحت قرارداد انجمن سینمای

آثار ۵۸ فیلمساز و ۴۱ عکاس در هفته سینمای جوان

درباره ناکامی بزرگ «کیک محبوب من» در هفتادوچهارمین جشنواره برلین

چگونه خرس کیک را له کرد؟!

برای عقده‌گشایی می‌شود، دنباله خبر هم با دهن کچی به داوران جشنواره برلین همراه است، درحالی‌که اگر همین داوران خرس طلایی را به کیک محبوب من اهدا می‌کردند، با ستایش بی‌بی‌سی فارسی و تمجید دیگر رسانه‌های معاند ایران روبه‌رو می‌شدند؛ «هیات داوران اسمال با ترکیب غریب و نه چندان دلچسبش، دور از انتظارترین فیلم‌ها را به عنوان آثار برگزیده اعلام کرد.» خبرنگار بی‌بی‌سی فارسی، در ادامه به انتخاب فیلم برنده خرس طلایی که به موضوع مهم استعمار می‌پردازد، خرده گرفته و احتمالاً موضوعاتی چون بی‌جایی و شرب خمر و روابط آزاد زن و مردی کهنسال را مهم‌تر از مسأله استعمار می‌داند.

تغییر اولویت‌های سیاسی

بله! فراموش نکرده‌ایم همین جشنواره مشهور و معتبر و باسابقه برلین نخستین جشنواره‌ای بود که در سال ۱۴۰۱ یکی از تریبون‌های جهانی اغتشاشات شد و سینما و رسانه‌های رسمی ایران را تحریم کرد و بعداً جشنواره‌های دیگری چون کن و ونیز هم به تبعیت از این جشنواره، در حرکتی کاملاً سیاسی و مغرضانه، به مردم و سینمای ایران به شکل زشتی دهن‌کچی کردند و در عوض سینمای شایسته، ابرومند و قانونی ایران بر

با واکنش جواد کراچی، فیلمساز ایرانی ساکن آلمان همراه شد که به عنوان یک سینماگر مقیم آلمان و در جوار همان جشنواره برلین، واجد همان نگاه منصفانه، واقعگرا و بدون حب و بغض سیاسی است؛

«نهایت این قدر ساده‌لوح باشیم که فکر کنیم آنچه مسئولان کشورهای استعمارگر دیروزی و جنگ‌افروزان امروزی، می‌گویند واقعیت فکر و اندیشه آنان هست. هزار چهره‌ای بودن و چندان‌ه عمل کردن آنان ابعاد بسیار تازه و گسترده‌ای دارد و ما آسیایی‌هایی‌از به‌شاخت بیشتر و تسلط بر زبان و فرهنگ آنان داریم.» در این مصاحبه یک جمله کلیدی که گویای خیلی از موضوعات است و روح توتالیت‌ر همه‌خواهانه آنها را باگو می‌کند را به طور مثال ذکر می‌کنم؛ «چیزی که برای ساخت آثار بعدی خود به آن نیاز دارند تا بتوانند به کار خود در حوزه سینما ادامه بدهند.» این جمله را که با دقت می‌خوانیم و مفهوم حرف ایشان که در لایلای شالواتانسیسم پیچیده شده، آشکار می‌شود. بی‌پرده گفته‌اند که برای پیشرفت کردن نیاز به تایید و جایزه گرفتن از ما دارند. اگر ما تایید نکنیم، کار از

جوان دفتر تهران فیلم تولید کرده‌اند، پخش خواهد شد، علاوه براین، ۴۱ اثر عکس نیز از عکاسان دفتر ویژه تهران در قالب نمایشگاه در معرض بازدید عموم قرار خواهد گرفت.

در بخش دیگری از این رویداد نشست نقد و بررسی سه اثر برگزیده انجمن سینمای جوان شامل فیلم کوتاه مورچه به کارگردانی فرهاد شنتیایی، فیلم کوتاه آخرین

درباره ناکامی بزرگ «کیک محبوب من» در هفتادوچهارمین جشنواره برلین

طبل بی‌قانونی و هنجارشکنی کوبیدند و سراغ نمایش آثاری غیرشرعی و غیرقانونی از سینمای ایران رفته بودند که بیش از این‌که فیلم باشند، بیانیه‌های سیاسی و مغرضانه‌الکتی بودند. با این حال اگر دقت کرده باشید، حتی این حمایت سیاسی جشنواره‌هایی چون برلین، کن و ونیز از سینمای اپوزیسیون ایران، در حد و مرز سیاست های کلان فرهنگی آنها تعریف می‌شود و این به اصطلاح فیلم‌ها یا اصلاً به بخش اصلی این رویداد ادها راه پیدا نمی‌کردند یا اگر هم به فرض به‌صورت استثنائی چنین اتفاقی می‌افتاد، با دستاورد و جایزه مهمی همراه نبود. در رفتار سیاسی این جشنواره‌ها مشکلی نیست چنانچه در کارنامه این جشنواره‌ها مثل همین برلین اهدای خرس طلایی به سیاست زده، ضعیف و خارج از تعریف سینما چون «تاکسی» ساخته جعفر پناهی و «شیطان وجود ندارد» ساخته محمد رسول اف ... به چشم می‌خورد و جزو نقاط سیاه سابق این رویداد است اما اگر دانتنگان این جشنواره بی‌بردارند که بازی در زمین سیاست و چنین حمایت‌های عیان و مبتذلی هزینه دارد و به‌مرور مخاطبان این رویداد به‌دلیل اتخاذ چنین سیاست‌های سطحی و رویی برای اهدای جایزه، واکنش‌هایی در این خصوص خواهند داشت و چنین

پيام جشنواره فیلم برلین این است که دیگر حتی دکان های ممنوع‌الخروجی و صندلی‌های خالی کارگردانان در جشنواره‌های آن سوی آب‌ها که به‌دلیل فعالیت‌های مجرمانه‌شان امکان خروج از کشور را ندارند و تبلیغات رسانه‌ای برای مظلوم‌نمایی‌شان برای کسب اعتبار و دریافت جایزه و ... هم خریداری ندارد جشنواره‌هایی چون برلین، کن و ونیز خیلی راحت پشت آنها را خالی خواهند کرد. به‌جز استثنائاتی، هنوز هم آن چیزی که برای این رویدادها بیش از هر چیزی اهمیت دارد، سینما و بیان درست سینمایی است



وارونه کردن نقطه ضعف فیلمسازان مجیزگوی جایزه بگیر را به عنوان نقطه قوت کارشان معرفی کردن و در وصف داستان‌سرایي به شیوه آنان راخت تأکید کشیدن، نشان دهنده اهداف پلید و شوم آنان است. شهرت را با دیوریگی و نوکر صفتی مستعمره‌گران دیروز و جنگ‌افروزان امروزی به دست آوردن، اصلاً هنر و افتخار نیست. هنر زمانی ارزشمند است که به وجود آورنده اثر در خدمت انسان و انسانیت باشد و نژاد، رنگ، پوست، ملیت و زبان حائز امتیازی برابر باشند.

شیشه به کارگردانی مهدیه محمدی و فیلم کوتاه به کارگردانی شاهین حق شعار با حضور کارشناسان سینمای کوتاه از جمله فرید حاجی و محمد علیزاده‌فرد نیز برگزار خواهد شد.

علاوه براین، برگزاری چهار کارگاه تخصصی با حضور اساتید برجسته کشوری نیز از دیگر برنامه‌های این رویداد فرهنگی و هنری است.

درنگ

کیک‌های نامحسوب می‌روند و سینمای ماند

سعید مستغاثی، مستندساز و کارشناس سینما که حتما خواننده نوشته‌های خوب و خواندنی او در زمینه سینما در همین صفحات فرهنگی روزنامه جام‌جم هستید، در این چند وقت اخیر با اشراف سینمایی و نگاه تخصصی خود دو مطلب خوب درباره موقعیت کیک محبوب من در جشنواره فیلم برلین و پروپاگاندای رسانه‌ای پیرامون این اثر در صفحه مجازی خود نوشته است که مطالعه آنها به‌شدت پیشنهاد می‌شود. مطالبی که اگرچه ناظر به یک فیلم خاص است اما در عین حال قابلیت تعمیم به همه به‌اصطلاح فیلم‌هایی دارد که بیش از این‌که فیلم و سینما باشند، نیش و کنایه‌ای سطحی و سیاسی هستند. به‌جز مطلبی با عنوان «تمام شد آقایان! اگر می‌توانید دکان دیگری باز کنید!» که اشاره به دلایل ناکامی کیک محبوب من در داوری هفتادوچهارمین جشنواره برلین دارد، مستغاثی چند روز پیش نوشته‌ای هم با عنوان «کیک‌های نامحسوب می‌روند و سینما می‌ماند،» نوشته بود که خواندن بخش‌هایی از آن در این مجال خالی از لطف نیست:



«وقتی فیلم «زی‌زی» (یکی از نازل‌ترین آثار سینمای موزیکال و وینست مینه لی) در اواخر دهه ۹۰، جایزه اسکار گرفت، شاید کمتر کسی این تصور را داشت که بعداً چندان اسم و نامی از آن (به‌جز در مرورهای تاریخی) باقی‌نماند اما موزیکال «آواز در باران» به‌رغم این‌که هیچ جایزه‌اسکاری نگرفت، ولی همچنان در بانتئون تاریخ سینما و اذهان دوستداران آن جای بگیرد. همین اتفاق در مورد بسیاری فیلم‌ها افتاد که «نرخ روز» ملاک‌شان بود و نه هنر و سینما همچون «ارگو» که اگر کسی از آن یاد نکند فقط از نقاط ضعف و جویز فرامی‌اش می‌گوید. در سینمای ایران هم همین جریان وجود دارد. واقعاً چند نفر فیلم‌هایی مثل «شیطان وجود ندارد» و «سه‌رخ» و حتی «دایره» و «عنکبوت مقدس» و... را به‌رغم جویز متعدد و از آن مهم‌تر سیل پروپاگاندای رسانه‌ای و خروار تبلیغ شبکه‌های مجازی (و این‌که به‌راحتی در دسترس هستند) را ولودر سطح یک نام به خاطر دارند؟

و اصلاً اسم امثال محمد رسول اف، جعفر پناهی و... در کدام محافل سینمایی مطرح می‌شود مگر از جهت مسائل غیرسینمایی و حواشی واری متن؟

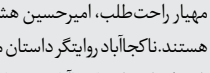
اما نام علی حاتمی و فیلم‌هایی «مثل مادر»، «کمال‌الملک» و «دلشنگان» و سریال «هزارستان» و ... به‌رغم این‌که در هیچ جشنواره جهانی هیچ جایزه‌ای نگرفتند و در تبلیغ هیچ‌کدام از این رسانه‌های زنجیره‌ای هم قرار نداشتند، ولی در روح و قلب اهل سینما و هنر از یک سو و یاد و خاطر بسیاری از مردم از سوی دیگر جای گرفته‌اند. حالا ماجرای این فیلم «#کیک_محبوب_من.» است که انگار قصد داشته مثلاً با نمایش دوسه تا پیرزن بی‌حجاب و یک صحنه رقص و یک صحنه مشروب خوردن، قال قضیه را کند و بی‌خیال سینما و هنر شود. اگرچه در زمینه نرخ روز برخی جشنواره‌های به‌اصطلاح جهانی درست عمل کرده ولی نام و عنوانش مثل آن دیگرها (که از بعضی‌شان نام بردیم و البته این یکی به گرد آنها هم نمی‌رسد) به‌زودی به فراموشی تاریخ سپرده خواهد شد و اثری از سازندگان‌ش ثبت نخواهد شد!

فیلم کوتاه

«ناکجا آباد»

آماده نمایش شد

مراحل فنی فیلم کوتاه «ناکجاآباد» به کارگردانی فاطیما اباحزمه به تازگی به پایان رسیده و در حال حاضر نسخه نهایی فیلم آماده حضور در جشنواره‌های داخلی و خارجی شده است. شهرزاد کمال‌زاده، مدیر ادبی، مهدی حسین، شهلا اکبری، نسیم ادبی، مهدی حسینی، شهلا اکبری،



مهیار راحت‌طلب، امیرحسین هشت‌رودی و فرهاد وزیری بازیگران این فیلم کوتاه هستند. ناکجاآباد روایتگر داستان مردی است که در اتفاقی، رازی را کشف می‌کند و آن را زندگی‌اش را به ناکجاآباد می‌کشد... سایر عوامل اصلی این پروژه عبارت هستند از: نویسندگان: فاطیما اباحزمه، معصومه لاهوتی، تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار: لیژن لاهوتی، مجری طرح: شهرزاد کمال‌زاده، مدیر فیلمبرداری: مهدی ایل‌پیک، فیلمبرداران: دانیال ناصر، علی مهتری، امیررضا ایمانی‌فرد، فرامرز رحیمی، مسلم جلیلی، نورپرداران: عبدالکریم تومانی، حاکم درویزی، طراح صحنه: الهه شکوری، به ناز مهتری، طراح لباس: مرضیه زارعی، ترترین محمد کانی‌سواران، صدابرداری: سامان شهامت، آرش نعمتی، صداگذاران: سجاد شیرانی، بیژن‌آبادی، سینا خاکی، تدوین: محمد توکلی، شراره امیراشتیاقی، اصلاح رنگ و نور: سینا جوانمردی، رامین سلطانی احمدآباد و...

رویداد

اکران یک فیلم ایرانی در لبنان

فیلم سینمایی «ضد» به کارگردانی امیرعباس ربیعی، تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی و نویسندگی حسین تراب‌نژاد که محصول سازمان سینمایی سوره است، اکران خود را در کشور لبنان آغاز کرد.

ضد قصه خود را در بستری ملتهب بین عشق و ایدئولوژی از زمستان سال ۵۹ تا تابستان سال ۶۰ روایت می‌کند. مهدی نصرتی، لیل‌زارع، لیندا کیانی، نادر سلیمانی، مجید پتکی، روزبه رتوفی، عماد درویشی، مهشید جواد، شیرین آقاکاشی و امین خانی بازیگران اصلی این اثر هستند.

فیلم سینمایی ضد نامزد دریافت ۷ سیمرغ و برنده ۲ سیمرغ بلورین بهترین نقش مکمل مرد و بهترین طراحی صحنه از چهلمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد.

این اثر که با پخش موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز، از ۱۵ آذر روی پرده سینماهای سراسر کشور رفت، موفق به جذب ۷۵ هزار مخاطب شده و فروش بیش از دو و نیم میلیاردی را تجربه کرده است.

بخش بین‌المللی این فیلم را مرکز بین‌الملل سوره بر عهده دارد. فیلم ضد که اکران عمومی خود را پایتت سرگذشت به تازگی به شکل برخط قابل مشاهده است.



«ننه مخمل» به آلمان می‌رود

مستند «ننه‌مخمل» به تهیه‌کنندگی مهدی مطهر و کارگردانی امیرحسین خلیل‌زاده در ادامه حضور در جشنواره‌های بین‌المللی به جشنواره بین‌المللی مردم‌شناسی گوتینگن آلمان راه یافت. جشنواره German International Ethnographic Film Festival یکی از مهم‌ترین جشنواره‌های قوم‌شناسی است که در شهر گوتینگن آلمان از ۸ تا ۱۲ می ۱۹ لغایت ۲۳ اردیبهشت) برگزار خواهد شد.

این مستند پیش از این در جشنواره بین‌المللی داکا نامزد بهترین فیلم بلند مستند و در جشنواره بین‌المللی یالتا، برنده بهترین فیلم مستند شده بود. مستند ننه مخمل، روایتی است از پیرزن روستایی در دامنه کوه‌های دنا که سال‌ها پیش ناچار شده زمین پدری‌اش را برای نجات جان پسرش بفروشد و اکنون در تلاش است مجدد این زمین را بازپس گیرد.